**مسجد جایگاه اصلی آموزش اسلامی**

نویسنده: م. عریان

چکیده مسجدالنبی درواقع کهن‌ترین دانشگاه اسلامی و پایگاه اساسی‌ترین تعلیمات در تاریخ آموزش اسلامی بوده است. نشر دعوت اسلامی بزرگ‌ترین نقش و مهم‌ترین تأثیر را در ایجاد نهضت علمی و آموزشی در جامعه‌ی عرب داشت. مسجد تا پایان سده‌ی اول هجری کارکردهای فراوانی داشت. در آغاز قرن دوم هجری، برای درک معانی آیات قرآن، زبان عربی در مساجد نوبنیاد سرزمین‌های فتح‌شده آموزش داده می‌شد. در عصر خلفای نخستین و در دوره‌ی حکومت امویان، در مساجد بزرگ علاوه‌بر مسائل دینی مسائل علمی نیز مطرح می‌شد. ازاین‌رو، مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجد جامع بصره، مسجد جامع کوفه و... از مراکز مشهور آموزش در آن دوره بودند. فاصله‌ی زمانی بین سده‌ی دوم تا پایان سده‌ی سوم عصر فعالیت آموزشی این دانشگاه‌های عمومی بوده است. خلفای نخست عباسی نیز به آموزش در مساجد توجه خاصی داشتند؛ برای نمونه منصور عباسی جامع منصور را در بغداد بنیان نهاد. همچنین، جامع اموی دمشق به دستور ولیدبن‌عبدالملک بنا گردید. در مصر، جامع ابن‌طولون در شهر قطائع و جامع‌الازهر مراکز مهم آموزشی جهان اسلام بودند. با آنکه مدرسه در قرن چهارم هجری به‌وجود آمد و آموزش به آنجا منتقل شد، اما همچنان مساجد نقش آموزشی خود را حفظ کردند.

**مقدمه**مسجد نخستین مکانی بود که مسلمانان در آن با خداوند نیایش و رازونیاز می‌کردند؛ ولی از همان نخستین سال‌های ظهور اسلام، در این مکان مقدس، مسائل علمی و آموزشی نیز مطرح می‌شد. از زمان رسول خدا(صل‌الله‌علیه‌وآله)، تشکیل حلقه‌های درس در مسجد امری طبیعی بوده است. در تاریخ اسلام، مساجد و جوامع علمی بسیاری تأسیس شد که برخی از آنها به‌دلیل قوت آموزشی شهرت بسیار یافتند. باوجوداینکه پس از ظهور مدارس و دارالعلم‌ها بیشتر مساجد نقش آموزشی و تعلیمی خود را از دست دادند؛ اما برخی از آن‌ها این وظیفه‌ی خطیر را همچنان حفظ کردند.

**مسجد جایگاه اصلی آموزش اسلامی**

پیامبر(صل‌الله‌علیه‌وآله) اهمیت مسجد را با بنای مسجد قبا در سر راه خویش به مدینه  و ساخت مسجدالنبی هنگام رسیدن به آنجا روشن کرد. مسجدالنبی درواقع کهن‌ترین دانشگاه اسلامی و پایگاه اساسی‌ترین تعلیمات در تاریخ آموزش اسلامی بوده است. در آغاز هجرت، پیامبر(صل‌الله‌علیه‌وآله) فرمان داد اسیران باسوادِ جنگ بدر به شرطی آزاد شوند که هر یک به ده تن خواندن و نوشتن بیاموزند.  نشر دعوت اسلامی بزرگ‌ترین نقش و مهم‌ترین تأثیر را در ایجاد نهضت علمی و آموزشی در جامعه‌ی عرب داشت؛ زیرا اسلام مردم را به شناخت عظمت دانش و فریضه‌ی دانش‌اندوزی برانگیخت. آیات قرآنی دراین‌زمینه فراوان‌اند و همگی بر برتری جایگاه دانش و مقام علما دلالت دارند. قرآن نادانی را با نابینایی یکی دانسته است  و آن را به گمراهی و تاریکی محض تشبیه کرده است. قرآن کریم تعلیم را از جمله وظایف پیامبر(صل‌الله‌علیه‌وآله) دانسته است و می‌فرماید: «رَبَّنا وَ اجْعَلْنا مُسْلِمَیْنِ لَکَ وَ مِنْ ذُرِّیَّتِنا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَکَ وَ أَرِنا مَناسِکَنا وَ تُبْ عَلَیْنا إِنَّکَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحیمُ»، پروردگارا در میان آن‌ها ( فرزندان ما) پیامبری از ایشان برگزین که آیات تو را بر آنان بخواند و به آن‌ها دانش کتاب و حکمت آموزد و وجودشان را از هر زشتی پاک و منزه دارد که تو بسیار توانا و دانایی

در روزگار جاهلیت، اعراب سازمان و حتی اجتماعی نداشتند که هدفش دانش‌اندوزی باشد؛ اعراب فقط در بازارهای موسمی برای انشاد و استماع اشعار خود گرد می‌آمدند. پیامبر(صل‌الله‌علیه‌وآله) نخستین کسی بود که نومسلمانان عرب را برای کسب دانش گرد آورد. ازاین‌رو، باید آن حضرت را نخستین آموزگار مسلمان و بنیان‌گذار واقعی دانش‌اندوزی و دانش‌آموزی در اسلام دانست. تا پایان سده‌ی اول هجری، مسجد مکانی بود برای وعظ، ارشاد، ادای فرایض دینی، رسیدگی به نیازمندی‌ها و حل‌وفصل امور قضائی مسلمانان هنگام بروز مشکلات . مسجد زندان ، بیت‌المال و دارالضرب  نیز بوده است. تا زمان خلیفه‌ی دوم، که مرزهای اسلامی از حدود جزیره‌ی عرب فراتر نرفته بود، مسجدالنبی در مدینه، مسجدالحرام در مکه و گاه خانه‌ی اصحاب مراکز فعال تعلیمات اسلامی بود.

در آغاز قرن دوم هجری، مرزهای اسلام گسترش یافت و به کشورهایی رسید که در زبان و نژاد با اعراب مسلمان متفاوت بودند. از این زمان، برای درک معانی آیات قرآن و تعالیم اسلامی، آموزش زبان عربی در سرزمین‌های فتح‌شده آغاز شد. برخی اصحاب پیامبر(صل‌الله‌علیه‌وآله) و تابعان ایشان در مساجد نوبنیاد نومسلمانان را آموزش می‌دادند؛ به‌همین‌دلیل مسلمانان هر جا را فتح می‌کردند، نخست در آن مسجد می‌ساختند. نخستین مساجد سرزمین‌های فتح‌شده در بصره و کوفه بنا شد  و پس از آن در سوریه و مصر. همچنین، هر قبیله موظف بود برای خود مسجدی بنا کند. در عصر خلفای اولیه و پس از آن، در دوره‌ی حکومت امویان، مساجد بزرگ با نام «مسجد جامع» در مراکز سرزمین‌های اسلامی ساخته شد. در این مساجد علاوه‌بر مسائل دینی و سیاسی، مسائل علمی نیز مطرح می‌شد. همان‌طورکه پیش‌تر اشاره شد، بسیاری از صحابه‌ی پیامبر(صل‌الله‌علیه‌وآله)، تابعان ایشان و پیشوایان مذاهب اسلامی در این دانشگاه‌های عمومی اسلامی مبانی دین را تعلیم می‌دادند. مسجدالحرام در مکه، مسجدالنبی در مدینه، دو جامع بصره و کوفه، جامع عمرو در فسطاط، مسجدالاقصی و قبه الصخره در بیت‌المقدس و جامع اُموی در دمشق از مراکز مشهور آموزش اسلامی در این دوره بودند.

در آغاز قرن دوم هجری، تحولی جدید در حیات مسجد پدید آمد و تلاش در زمینه‌های علمی و آموزشی مسجد بسیار گسترش یافت. فاصله‌ی زمانی سده‌ی دوم تا پایان سده‌ی سوم هجری عصر فعالیت آموزشی مسجد بود. دستاوردهای مسلمانان در مسائل مختلف علمی، پیشرفت‌های فکری در این دوره و پیشرفت‌های اقتصادی، اجتماعی و عمرانی تأثیر مهمی در ایجاد هوشیاری و جنبش علما در مساجد داشت. توجه دقیق به اجتماعات و جلسات علمی مساجد بزرگ و مشهور و وجود مجامع ممتاز و مناسب در مساجد با شرکت علما و دانشمندان، نشان‌دهنده‌ی پویایی و باروری فکری و علمی آن دوره از تاریخ اسلام است. بسیاری از مساجد آن دوره کتابخانه‌های غنی نیز داشتند و علما و دانشمندان بسیاری کتب خود را وقف این مساجد کردند.

خلفای نخست عباسی به آموزش در مساجد توجهی خاص نشان دادند؛ برای مثال منصور عباسی (۱۳۷ ـ ۱۵۹ ه.ق) جامع منصور را در سال ۱۴۷ ه.ق، در بغداد، بنیان نهاد که هزینه‌ی بنای آن ۱۸ میلیون دینار برآورد شده است.  این مسجد در روزگار هارون‌الرشید (که از سال ۱۷۰ تا ۱۹۳ه.ق حکومت کرد) بازسازی شد و در زمان معتضد (که از سال ۲۷۹ تا ۲۸۹ه.ق حکومت کرد) گسترش یافت.  در این دوره، شمار مساجد - به‌ویژه در شهرهای بزرگ - افزایش یافت؛ به‌گونه‌ای‌که یعقوبی تعداد آن‌ها را سی هزار گزارش کرده است.  پس از مسجدالنبی، که بیشتر اهل‌بیت(علیهم‌السلام) در آن آموزش می‌دادند، جامع منصور برجسته‌ترین مدرسه‌ی آن عصر بود. حتی خطیب بغدادی از خداوند خواسته بود در آن مسجد تدریس کند و به آرزوی خود نیز رسید.  کسایی، نحوی معرف، در این مسجد درس می‌داد و کسانی چون فرّاء، احمدبن‌سعدان، احمر و اخفش از درس او استفاده می‌کردند.   
 جامع اموی دمشق به دستور ولیدبن‌عبدالملک (۸۶ ـ ۹۶ه.ق) بنا شد. این مسجد نیز یکی از مراکز آموزشی مشهور بود. به گفته‌ی ابن‌جبیر، حلقه‌های تدریس بسیاری در این مسجد وجود داشت و استادان آن نیز حقوقی خوب داشتند.  در مصر، در سال ۲۵۶ ه.ق، احمدبن‌طولون جامع خود را در شهر قطائع بنا کرد. در این جامع علوم تفسیر، حدیث، فقه و ستاره‌شناسی تدریس می‌شد.  جوهر صقلی نیز جامع الازهر را در سال ۳۶۰ه.ق بنا کرد که به‌تدریج به یکی از مراکز مهم آموزشی جهان اسلام بدل شد. این جامع در زمان عزیر فاطمی (۳۶۵ ـ ۳۸۶ه.ق) به‌صورت دانشگاهی واقعی درآمد و برای آن برنامه‌ی آموزشی جامعی تنظیم شد.  ابن‌جبیر (۶۱۴ه.ق) شمار مساجد اسکندریه را ۱۲ هزار عدد ذکر کرده است.  مقریزی می‌گوید: در جامع عمرو چهل‌واندی حلقه‌ی درسی و آموزشی تشکیل می‌شد که هیچ‌گاه از کار نایستادند.

پس از این دوران، آموزش علوم در مساجد به‌تدریج جای خود را به آموزش علوم در مدارس داد. عامل اصلی این انتقال ازیک‌سو افزایش دانش‌پژوهان و تشکیل حلقه‌های درسی بی‌شمار در مساجد بود که پرستش و عبادت را مختل می‌کرد و ازسوی‌دیگر، ظهور موضوع‌های جدید در عرصه‌ی دانش، گسترش آموزش علوم و پدیدآمدن مناظره و مجادله باعث شد تا انجام آن‌ها در مسجد غیرممکن شود. در چنین اوضاعی، انتقال آموزش از مسجد به مدرسه کاملاً طبیعی بود. علاوه‌برآن، مدارس نوبنیاد محلی برای اسکان طلبه‌ها و دانشجویان داشتند که مسجد از آن بی‌بهره بود. مدرسه در قرن چهارم هجری پا به عرصه‌ی وجود نهاد و درحقیقت محصول فعالیت‌هایی بود که پیش از آن در مسجد انجام می‌شد و برخی از ویژگی‌های آن در مدرسه ظهور یافت. بدین ترتیب، اگرچه آموزش به مدارس منتقل شد؛ ولی بدین معنا نبود که مساجد این نقش مهم را کاملاً از دست داده‌اند. برای مثال، مسجد الازهر تقریباً به تدریس اختصاص داشت و جز نماز جمعه نماز دیگری در آن برگزار نمی‌شد. جامع زیتونه در تونس و جامع قرویین در فارس از مراکز مشهور آموزشی اسلامی هستند که این نقش را قرن‌های بعد نیز همچنان حفظ کردند.